

درگفت‌وگو با هادی و سعید غریبی، مؤلفان برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد:

محتوای آموزشی مدارس فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار نیست



● سمانه آزاد

اشاره

هادی و سعید غریبی، در اولین تجربه‌شان در زمینه‌ی تألیف کتاب، موفق به کسب عنوان کتاب برگزیده در هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد شدند. هادی غریبی، برادر بزرگ‌تر و متولد سال ۱۳۵۶ است و دوره‌ی لیسانس را در رشته‌ی «مهندسی کامپیوتر»، در «دانشگاه زنجان» سپری کرده است. سعید غریبی نیز متولد سال ۱۳۵۸ است که در رشته‌ی برق و الکترونیک در «دانشگاه علم و صنعت» تحصیل کرده و پایان‌نامه‌ی دوره‌ی فوق‌لیسانسش نیز در باره‌ی «شناسایی الگو با استفاده از تکنیک‌های پردازش تصویر و شبکه‌های عصبی» بوده است. هادی و سعید غریبی کارشان را با تدریس در زمینه‌های گوناگون اتوماسیون صنعتی آغاز کردند و مدتی بعد تصمیم گرفتند، کتاب جامعی در این زمینه تألیف کنند که علاوه بر پوشش دادن به سطح گسترده‌ای از مخاطبان، نیازهای واقعی آنان را در رابطه با بازار کار تأمین کند. چرا که آن‌ها معتقدند: در مدارس فنی و حرفه‌ای،

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۷۶

آنچه که در بازار کار نیاز است، به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود. گرچه این دو برادر انرژی و وقت زیادی را صرف حل مشکلات انتشار کتاب خود کرده‌اند، اما هم‌چنان برای ارائه‌ی کتاب‌هایی استاندارد در زمینه‌ی اتوماسیون صنعتی که به قول خودشان حرکت جدیدی در این حوزه خواهد بود، در تلاش‌اند. آنان امیدوارند جشنواره اعتبار و جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند و می‌دانند که این مهم محقق نخواهد شد، مگر زمانی که هرکس با هر پست و مقامی، مصمم و معتقد به هدف‌های این جشنواره باشد.

ایده‌ی اولیه‌ی تألیف کتاب شما چگونه شکل گرفت؟

■ **سعید:** ما با هم در زمینه‌های متفاوت اتوماسیون صنعتی تدریس می‌کردیم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم برای گسترش کارمان و بومی‌سازی اتوماسیون صنعتی، در این زمینه کتاب تألیف کنیم.

در زمینه‌ی PLC در بازار کتاب‌های گوناگونی وجود داشتند، اما هیچ کدام کتابی نبود که بتواند طیف‌های متنوع دانش‌آموزان هنرستان‌ها، دانشجویان و حتی کارشناسان را پوشش دهد. البته این مشکل بیشتر کتاب‌ها در زمینه‌ی فنی و حرفه‌ای است که فقط زمینه‌ی خاصی را آموزش می‌دهند و اگر دانش‌آموز یا دانشجویی اطلاعات کافی درباره‌ی کل آن بحث نداشته باشد، قطعاً مشکل خواهد داشت و صرفاً درباره‌ی یک جنبه آموزش خواهد دید.

ما در شروع کار خودمان را جای مخاطب گذاشتیم و به این فکر کردیم که وقتی خودمان وارد این رشته شدیم، با چه مشکلاتی مواجه بودیم. بنابراین تصمیم گرفتیم کتابی تألیف کنیم که از دانش‌آموزان دوره‌ی هنرستان تا دانشجویان را پوشش دهد. هم‌چنین سرفصل‌ها را به گونه‌ای تنظیم کردیم که همه‌ی جنبه‌های اتوماسیون صنعتی را در برق و کنترل شامل شود، برای کسی هم که هیچ اطلاعاتی در این زمینه ندارد، مفید باشد. حتی پیش‌نیازهای لازم را هم تا حدی از کتاب برداشت کند تا در حد امکان جنبه‌ی آموزشی کتاب تکمیل شود.

کتاب راهنمای جامع PLC که در هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شده است، چه قدر جنبه‌ی کمک آموزشی دارد و چه حجمی از کتاب‌های درسی هنرجویان را در برمی‌گیرد؟

■ **هادی:** از آن‌جا که رشته‌ی اتوماسیون صنعتی و کنترل بسیار وسیع‌تر از یک درس آموزشی



در
نمایشگاه‌هایی که
در مدارس برپا می‌شود
از کتاب‌های برگزیده که
به معیارهای استاندارد
جشنواره نیز نزدیک
است، استفاده شود

۲۹۹/۹۳

زمستان ۱۳۸۸





نقطه‌ی
قوت کتاب این
است که ما سعی نکردیم
کتاب تألیف کنیم، بلکه سعی
کردیم تجربه‌هایمان را در
قالب کتاب به مخاطبان
منتقل کنیم

است، در هنرستان درس مشخصی به نام PCL وجود ندارد و طیفی از درس‌ها که برای آشنایی کلی دانش‌آموزان با اتوماسیون تدوین شده است. اگر چنین کتابی بود، می‌توانستیم به طور کامل مقایسه کنیم. در هر صورت، کتاب ما جنبه‌ی دانش‌افزایی دارد و مباحث مقدماتی آن در کتاب‌های درسی آموزش داده می‌شود. ما در کتابمان به مباحثی توجه کرده‌ایم که با وجود اهمیت فراوان، در کتاب‌های درسی به آن‌ها پرداخته نشده است.

من معتقدم با توجه به کاربرد گسترده‌ای که این رشته در همه‌ی صنایع دارد، باید در آموزش و پرورش بیشتر مورد عنایت قرار بگیرد تا فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها، راحت‌تر و با پیشینه‌ی علمی بهتری وارد بازار کار شوند. در حال حاضر کتاب‌هایی که در این زمینه و خارج از آموزش و پرورش تهیه می‌شوند، بهتر از کتاب‌های درسی هستند که در مدارس آموزش داده می‌شوند.

در مدارس، آن‌چه که واقعاً در بازار کار نیاز است، آموزش داده نمی‌شود. یعنی صرفاً با اتکا به آن‌چه که از منابع آموزشی یاد گرفته می‌شود، نمی‌توان فعالیت مفیدی در بازار کار داشت. به همین دلیل هم، ما در کتاب ابتدا بحث آموزش را در نظر گرفته‌ایم، چون زمینه‌ی درستی وجود نداشت. در کنار آن، مباحثی را مطرح کرده‌ایم که به آموزش کمک می‌کنند.

به نظر تان مهم‌ترین نقطه‌ی قوت کتاب شما چیست؟

■ به نظر من مهم‌ترین نقطه‌ی قوت کتاب این است که ما سعی نکردیم کتاب تألیف کنیم، بلکه سعی کردیم تجربه‌هایمان را در قالب کتاب به مخاطبان منتقل کنیم. یعنی بیشتر مطالب کتاب از تجربه‌های ما در پروژه‌های متفاوت سرچشمه می‌گیرد. هم‌چنین، وقفه‌ای که در انتشار کتاب پیش آمد، به این دلیل بود که نسخه‌ی نرم‌افزاری که کتاب بر محور آن بود، عوض شد و ما برای این‌که مناسب‌ترین کتاب را ارائه دهیم، مجبور شدیم کتاب را به روز کنیم و حتی تصاویر کتاب را تغییر دادیم.

آن‌گونه که از بازخورد مخاطبان متوجه شده‌ایم، یکی دیگر از نقاط قوت کتاب، در زمینه‌ی نوع چیدمان و بیان مطالب است که برای مخاطب جاذبه و کشش دارد. به گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند باید مطلب بعدی را هم بخواند و بیاموزد. من معتقدم دلیل این موفقیت آن است که ما خودمان را جای مخاطب گذاشته‌ایم و فکر کرده‌ایم که اگر خودمان دوباره بخواهیم این مسیر را طی کنیم، چه اطلاعاتی باید در اختیار داشته باشیم که سریع‌تر به هدفمان برسیم.

آیا برگزیده شدن این اثر در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، بر فروش آن تأثیر داشته است؟

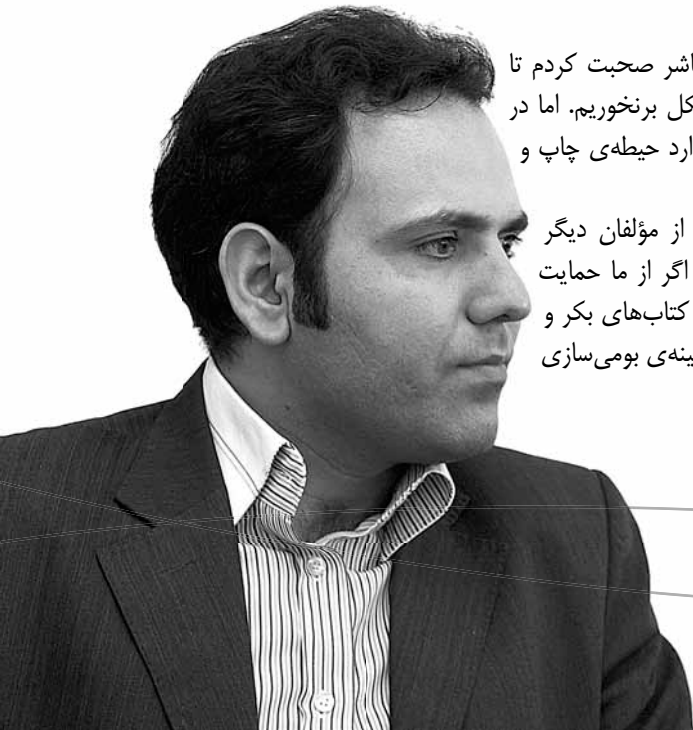
■ کتاب ما زمانی که در جشنواره برگزیده شد، برای چاپ سوم آماده شده بود و فقط روی جلد چاپ چهارم، برگزیده شدن کتاب در جشنواره درج شد. اما قطعاً این موضوع در فروش‌های بعدی تأثیرگذار بوده است. چرا که وقتی جشنواره کتابی را تأیید کند، یعنی مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش نیز هست. بنابراین، برای کسانی که زمینه‌ی قبلی ندارند و بدون تحقیق اقدام به خرید کتاب می‌کنند، مناسب است. به خصوص که بازار پر است از کتاب‌های متنوع که گاه باعث سردرگمی مخاطبان می‌شوند.

به نظر شما خلأیی که در زمینه‌ی کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وجود دارد، به چه دلیل است؟

■ شاید اگر در راه چاپ کتاب مشکلات کمتری وجود داشت، شاهد خلأ کمتری بودیم. مثلاً ما بیش از سه برابر تألیف کتاب، برای چاپ و حواشی آن انرژی و وقت گذاشتیم. در حال حاضر هم من افرادی را می‌شناسم که در زمینه‌های فنی، تخصص‌های کاربردی دارند و با این که دانش و تجربیاتشان را مدون کرده‌اند، مایل نیستند وارد وادی چاپ و نشر کتاب شوند. چرا که با مشکلات سرراهشان آشنا هستند. اما وقتی ما به آن‌ها قول همکاری و هموار کردن راه را می‌دهیم، استقبال می‌کنند. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم خودمان وارد کار چاپ و نشر شویم؛ به این امید که شاید کمتر با مشکل روبه‌رو شویم.

من برای چاپ کتاب‌هایمان با بیش از ۱۵ ناشر صحبت کردم تا ناشری را پیدا کنم که کم‌کمان باشد و به مشکل برنخوریم. اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که باید خودمان وارد حیطه‌ی چاپ و نشر شویم و مجوز نشر بگیریم.

در حال حاضر، ما چند کتاب آماده‌ی چاپ از مؤلفان دیگر در زمینه‌ی فنی و حرفه‌ای در دست داریم که اگر از ما حمایت می‌شد، قطعاً با همکاری گروهمان می‌توانستیم کتاب‌های بکر و بسیار خوبی در این حوزه وارد بازار کنیم و در زمینه‌ی بومی‌سازی اتوماسیون صنعتی، گام مؤثری برداریم.



برخی معتقدند که جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد باید قدرت اجرایی و نقش ممیزی داشته باشد و بتواند از انتشار کتاب‌های نامناسب جلوگیری کند. نظر شما چیست؟

■ به نظر من نباید حذفی برخورد کرد. ناشر و مؤلف باید بتوانند آزادانه اثرشان را وارد بازار کنند و مخاطب هم فضای تصمیم‌گیری آزاد داشته باشد و خودش دست به انتخاب بزند. در این صورت مخاطبان، کتاب نامناسب و صرفاً بازاری را که از معیارهای آموزشی کم‌بهره یا بی‌بهره‌اند، حذف می‌کنند. به خصوص که نسل جدید ما آن قدر باهوش است که با ورق زدن کتاب‌ها، مناسب و یا نامناسب بودنشان را تشخیص می‌دهند.

پس لزومی ندارد که ما دست به اقدام حذفی بزنیم. جشنواره باید سیاست‌های تشویقی را پی‌گیری کند و برای مؤلفان انگیزه‌های بیشتری به وجود آورد. اگر هم زمانی قرار بر برخورد حذفی شد، نیازمند معیارهای کاملاً مشخصی خواهیم بود و مطمئناً برخورد سلیقه‌ای با این موضوع، آفت این حوزه خواهد بود.

از جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد چه انتظاری دارید؟

■ مهم‌ترین انتظار ما این است که جشنواره جایگاه و اعتبار واقعی‌اش را میان مردم و همه‌ی نهادها و ارگان‌هایی که به نوعی با آموزش و پرورش در ارتباط‌اند، پیدا کند. شاید اطلاع‌رسانی، به خصوص در رابطه با معیارهای جشنواره، بتواند این نقص را جبران کند. چون تا وقتی که جشنواره به خوبی شناخته نشود، جایگاه واقعی‌اش نیز شناخته نخواهد شد.

ضمن این‌که معیارهای جشنواره باید کارشناسی‌تر و دقیق‌تر باشد و بتواند به طور منصفانه همه‌ی جنبه‌ها را لحاظ کند تا زحمت مؤلف و ناشر، هر دو، دیده شود. شاید کتاب‌های ناشری اصلاً برگزیده نشود، اما با در پیش گرفتن سیاست‌هایی و حذف دغدغه‌های مؤلف، بتوان فضای به وجود آورد که باعث ایجاد انگیزه در تعدادی از مؤلفان شود و به این ترتیب، خلأیی را در بازار پُر کرد. به نظر من این حرکت به خودی خود ارزشمند و قابل تقدیر است.

هم‌چنین من از جشنواره انتظار دارم با حمایت از کتاب‌های برگزیده، به مؤلفان انگیزه‌ی بیشتری برای پوشش دادن معیارهای جشنواره، بدهد.



مثلاً در نمایشگاه‌هایی که در مدارس برپا می‌شود، از کتاب‌های برگزیده که به معیارهای استاندارد جشنواره نیز نزدیک است، استفاده شود. به این ترتیب، ضمن این که کتاب‌های بهتری در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را از سردرگمی نجات می‌دهد، از ناشر و مؤلف نیز حمایت می‌شود.

پیشنهاد شما برای بهبود برگزاری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد چیست؟

میان
جشنواره و نهادها
حلقه‌هایی ایجاد شود
تا ناشران و مؤلفانی که
می‌خواهند در راه ارائه‌ی
کتاب‌های استاندارد قدم
بردارند، کمتر با مشکل
مواجه شوند

■ ابتدا بگویم، همین که عده‌ای کارشناس که خودشان درگیر مباحث کتاب هستند، به بررسی کتاب می‌پردازند تا کتاب‌های مناسب مشخص شوند، یک حرکت انگیزشی برای مؤلفان و ناشران است. اما من معتقدم که جشنواره باید روابطش را با برخی نهادها و ارگان‌ها گسترش دهد. نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حتی دفتر آموزش‌های تخصصی فنی و حرفه‌ای.

به نظر من باید میان جشنواره و این نهادها حلقه‌هایی ایجاد شود تا ناشران و مؤلفانی که می‌خواهند در راه ارائه‌ی کتاب‌های استاندارد قدم بردارند، کمتر با مشکل مواجه شوند در این صورت خود مؤلفان بیشتر راغب می‌شوند که طبق معیارهای جشنواره عمل کنند و مطمئناً به بازوی قوی جشنواره تبدیل خواهند شد.

من به عنوان کسی که کتابش در جشنواره برگزیده شده است، انتظار دارم که دیگر با همان روند سخت و پیچیده‌ی چاپ کتاب روبه‌رو نباشم و این زمانی تحقق پیدا می‌کند که جشنواره با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رابطه برقرار کند.

مطمئنم که اگر هر کس در هر پست و مقامی که هست، مصمم و معتقد به کارش باشد، جشنواره حتماً جایگاه واقعی‌اش را به دست خواهد آورد.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۸۱

